



**برادرم خسرو- احسان بیگلری - ۱۳۹۴**

تاھید (هنگامه قاضیان): کجا خسرو جان؟ خسرو (شهاب حسینی): نمی‌دونم، اصلا دیگه نمی‌دونم، مخم نمی‌کشه، عقمم به جایی قد نمی‌ده، نمی‌دونم کیم؟ چیم؟ اصلا چی می‌خوام؟ ناهید: من می‌فهممت، خودمم حالم مثل تو، منّتها باھاش کنار اوادم، صبح بلند می‌شم می‌رم راه می‌رم میام کارای خونه رو می‌کنم.
با می‌شمم برای تخصصم می‌خونم، بالاخره زندگی همینه، بی‌جوری باید باش کنار اوعد. فکرکردن ما کنیزی رو عوض می‌کنه؟ خسرو: معلومه چیزی عوض نمی‌شه. چیزی عوض نمی‌شه چون...



**دیالوگ روز**

**پنج‌ره شهر**

### پیونددهنده روح و کالبد شهر



**زهرا نژاد بهرام**

شهر موجودی زنده است و باید به آن با رویکردی اجتماعی نگاه کرد. لازمه این نگاه این است که المان‌هایی را که نشان از سرزندگی در آن وجود دارد، در شهر بیافرینیم، از آن حفاظت کنیم و به گسترش‌شان کمک کنیم. امروزه بر کسی پوشیده نست که نیاز به سرزندگی در زندگی شهری امری اجتناب‌ناپذیر است. محققان و پژوهشگران مختلف حوزه علوم اجتماعی درباره زندگی شهری و نیازهای آن سخن گفته‌اند. بخش زیادی از این اظهارنظرها به لزوم رونق در زندگی شهری مربوط است. گروهی روی بروز نمادهای این مسئله در کالبد شهر تمرکز کرده‌اند و عده‌ای دیگر درباره روح شهر و لزوم سرزندگی آن مباحثی را مطرح کرده‌اند. آنچه مهم است، پیوند روح و کالبد شهر با هم است. پیوند این دو وجه شهر است که می‌تواند سرزندگی شهری را معنا بخشد و جنبه‌های زیست‌پذیری را درون شهر تقویت کند. یکی از عناصری که می‌تواند به زندگی شهری روح ببخشد و آن را با سرزندگی همراه کند، تابلوهای شهری است. تابلوهای شهری بخشی از مبلمان شهری هستند که در همه شهرها قابل مشاهده‌اند. تنوع تابلوهای شهری و رنگ‌آمیزی متنوع آنها می‌تواند موتور محرک دمیدن روح سرزندگی به شهرها باشد.

یکی از عواملی که کمک می‌کند این حس درون شهروندان تقویت شود، خوانایی تابلوهاست؛ چیزی که موجب می‌شود ارتباط شهروند با شهر و تابلوهای شهری ارتباط پیوسته‌تر و عمیق‌تری شود. خوانایی تابلوها موجب می‌شود سرگشتگی و حیرانی شهروندان کم شود و با کم‌شدن این حس، فرد احساس همدلی و همراهی با فضای شهری دارد. در واقع می‌توان گفت تابلوهای شهری با تنوع گوناگونی که دارند کمک می‌کنند تا یک شهروند شهر را بخواند.

اینها ابزاری هستند که شهر را برای شهروندان دوست‌داشتنی‌تر، آشناتر و صمیمی‌تر می‌کنند. این تابلوها کمک می‌کند تا شهروندان نوعی همدلی با شهر را احساس کنند. یکی دیگر از کارکردهای تابلوهای شهر موضوع امنیتی است که آنها به شهر و زندگی شهری ما می‌دهند. بهره‌بردن از نورپردازی در تابلوهای شهری می‌تواند امنیت شهری را بالا ببرد. امنیت هم یکی از شاخصه‌هایی است که سرزندگی شهری را بالا می‌برد. تابلوهای شهری همچنین موجب ارتقای کیفیت زندگی شهری می‌شوند. در یادداشت‌های قبلی هم گفتیم که زندگی شهری باکیفیت زندگی‌ای است که در آن فرصت گفت‌وگو و تعامل برای شهروندان ایجاد شده باشد.

تابلوهای شهری هم در این میان به نوعی گفت‌وگوی ساکنان را با شهروندان رقم می‌زند و این فرصتی است برای ارتقای کیفیت زندگی شهری، برخی محققان و اندیشمندان مطالعات شهری معتقدند تابلوهای شهری در قرن بیستم ظرفیت‌های متناسبی را برای برقراری ارتباط با شهروندان فراهم کرده است. آنها تابلوهای شهری را به نوعی هنر و تجلی منظر شهری دانسته‌اند. به‌طور کلی می‌توان گفت ارتقای کیفی فضای شهری به خاطر دیرداشتن رنگ در داخل این تابلوها، بیش از هر وقتی قابل مشاهده است. ماهیت ذاتی این تابلوها به طراحان شهری این فرصت را می‌دهد که از آنها برای زیبایی شهر هم استفاده کنند.

برخی تابلوها ماهیت آموزشی هم دارند و برخی موضوعات مرتبط با آموزش شهری را می‌توان از طریق آنها به شهروندان ارائه کرد. همچنین تجربه تلویزیون‌های شهری در چند سال اخیر هم که با تجمع مردم برای دنبال‌کردن مسابقات ملی یا باشگاهی همراه بود، نشان می‌دهد این‌دست المان‌ها چه ظرفیتی برای تزریق شادی و نشاط به جهان دارند.

در نهایت می‌توان گفت تابلوهای شهری به نوعی می‌توانند در سطح شهر امنیت‌زایی کنند و زندگی شهری را با کیفیتی بهتر برای شهروندان هم‌سوار کنند. باید از این فرصت تزریق نشاط و سرزندگی به شهر استفاده کرد و در طراحی تابلوهای شهری از نهایت ظرفیت و خلاقیت بهره برد. می‌توان گفت تابلوهای شهری نماد ارتباط کالبد با روح شهر هستند.

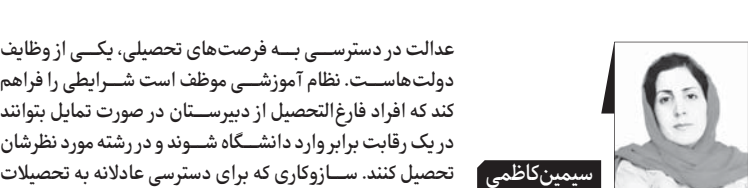
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان قاضی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۶۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۷۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۱ • ۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ • ۲ جولای ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۱۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۸ • اذان مغرب ۲۰:۴۵

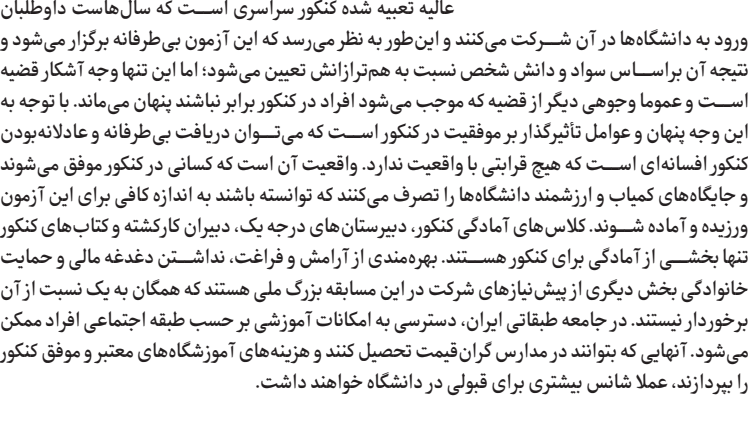
اذان صبح فردا ۴:۰۷ • طلوع آفتاب ۵:۵۳

# افسانه عدالت در کنکور



**سیمین کاظمی**

روود به دانشگاه‌ها در آن شرکت می‌کنند و این‌طور به نظر می‌رسد که این آزمون بی‌طرفانه برگزار می‌شود و نتیجه آن براساس سواد و دانش شخص نسبت به هم‌ترازشن تعیین می‌شود؛ اما این تنها وجه آشکار قضیه است و عموماً وجوهی دیگر از قضیه که موجب می‌شود افراد در کنکور برابر نباشند پنهان می‌ماند. با توجه به این وجه پنهان و عوامل تأثیرگذار بر موفقیت در کنکور است که می‌توان دریافت بی‌طرفانه و عادلانه‌بودن کنکور افسانه‌ای است که هیچ قرابتی با واقعیت ندارد. واقعیت آن است که کسانی در کنکور موفق می‌شوند و جایگاه‌های کمیاب و ارزشمند دانشگاه‌ها را تصرف می‌کنند که نتوانسته باشند به اندازه کافی برای این آزمون ورزیده و آماده شوند. کلاس‌های آمادگی کنکور، دبیرستان‌های درجه یک، دبیران کارگشته و کتاب‌های کنکور تنها بخشی از آمادگی برای کنکور هستند. بهره‌مندی از آرامش و فراغت، نداشتن دغدغه مالی و حمایت خانوادگی بخش دیگری از بیش‌نیازهای شرکت در این مسابقه بزرگ ملی هستند که همگان به یک نسبت از آن برخوردار نیستند. در جامعه طبقاتی ایران، دسترسی به امکانات آموزشی بر حسب طبقه اجتماعی افراد ممکن می‌شود. آتنهایی که بتوانند در مدارس گران‌قیمت تحصیل کنند و هزینه‌های آموزشگاه‌های معتبر و موفق کنکور را بپردازند، علا شانس بیشتری برای قبولی در دانشگاه خواهند داشت.



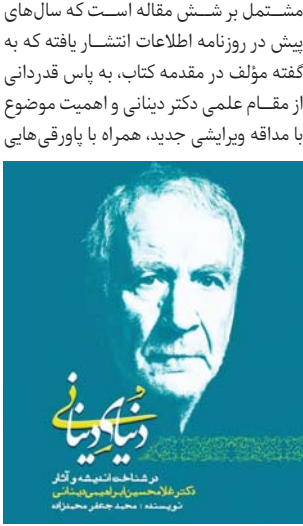
روند کالایی‌شدن آموزش که آموزش با کیفیت بهتر و مؤثرتر را به عنوان یک امتیاز در اختیار کسانی قرار می‌دهد که قادر به پرداختن بهای آن باشند، مسابقه ورود به دانشگاه‌ها را در بر گرفته و به این ترتیب طبقات زحمتکش جامعه که در تأمین نیازهای اولیه‌شان درمانده‌اند، قادر به فراهم‌کردن بیش‌نیازهای شرکت در کنکور برای فرزندانشان نیستند و داوطلبان طبقه فرودست در رقابتی نابرابر و ناعادلانه رویاها و آینده‌شان بر باد می‌رود.

نابرابری در کنکور تنها به تبعیض طبقاتی محدود نمی‌شود و تبعیض جنسیتی جلوه دیگری از نابرابری‌های اجتماعی پیرامون کنکور است. در کنکور سراسری تبعیض جنسیتی به‌طور نظام‌مند اعمال می‌شود و دختران از ورود به برخی رشته‌ها منع می‌شوند. علاوه بر آن در رشته‌های پرطرفدار که دختران در آن توفیق بیشتری داشته‌اند، سهمیه‌بندی جنسیتی اعمال شده‌ تا دختران با وجود شایستگی و نمره بالاتر جایشان را به پسران بدهند. این تبعیض به نفع مردان، صورتی متکی به بااور برتری مردانه در کسب فرصت‌ها و موقعیت‌ها و امتیازهای اجتماعی است. برای توجیه چنین تبعیضی، تحصیلات دختران را بی‌اعتبار و غیرضروری جلوه

## چه خبر

## دنیای دینانی منتشر شد

این‌با: کتاب «دنیای دینانی» نوشته دکتر محمدجعفر محمدزاده منتشر شد. این اثر در شناخت اندیشه و آثار دکتر غلامحسین ابراهیمی‌دینانی به چاپ رسیده و دربرگیرنده بخشی از آثار و افکار دکتر دینانی از نگاه نویسنده آن است. «دنیای دینانی» در ۱۲۴ صفحه در قطع رقعی و دارای دو فصل و یک مقدمه با عنوان سرسخن است. فصل نخست، مشتمل بر شش مقاله است که سال‌های پیش در روزنامه اطلاعات انتشار یافته که به گفته مؤلف در مقدمه کتاب، به پاس قدردانی از مقام علمی دکتر دینانی و اهمیت موضوع با مذاقه ویرایشی جدید، همراه با پاورقی‌هایی



فرهنگ‌اندیشه‌ی‌و‌فکر دکتر غلامحسین‌ابراهیمی‌دینانی نویسنده، مدیر‌مجموعه‌مجله‌پژوهش‌های‌دینانی



♦ میزان حجم انباشته‌های معدنی ذغال‌سنگ البرز مرکزی در منطقه سوادکوه به چند میلیون تن رسیده و اثرات نامطلوبی بر محیط زیست منطقه به جا گذاشته است. ولی شجاعی لنگری/تسنیم



تلاقی این تبعیض‌های طبقاتی، جنسیتی و جغرافیایی ایستاده‌اند و سهم‌شان از آموزش با هرکدام از این تبعیض‌ها کاهش می‌یابد. زنان فقیر مناطق محروم بازندگان اصلی رقابت کنکور هستند و کمترین سهم را از رشته‌های مهم دانشگاهی خواهند برد.

با وجود چنین نابرابری‌هایی آنچه درباره تأثیرگذاری نبوغ و پشتکار در کنکور بیان می‌شود، موهومی است برای پنهان‌کردن و توجیه این نابرابری‌ها تا خود شخص و اطرافیانش او را سرزنش کنند که چرا از نبوغ و پشتکار کافی برخوردار نبوده است تا از برگزیدگان پیشتاز کنکور با همه امتیازات طبقاتی، اجتماعی و جنسیتی‌شان باز نماند.

در ایران تحصیلات دانشگاهی همچنان نقش مهمی در کسب موقعیت‌های شغلی و منزلت اجتماعی دارد. اینکه شخص در کدام رشته دانشگاهی تحصیل کند در دسترسی او به امتیازات و موقعیت‌های اجتماعی مؤثر است. افراد تحصیل‌کرده احتمالاً گزینه‌های بهتری در اشتغال پیش‌رویشان خواهد بود و منزلت اجتماعی افراد به وضعیت تحصیلی‌شان پیوند می‌خورد. هرچه رشته و درجه دانشگاهی افراد بالاتر باشد، از منزلت اجتماعی بیشتری برخوردار خواهند بود. در جامعه‌ای با نظام قشربندی باز، تحصیلات دانشگاهی می‌تواند مسیر تحرک صعودی را هموار کند و افراد را قادر می‌کند طبقه اجتماعی‌شان را تغییر دهند. زنان با تحصیلات دانشگاهی می‌توانند تا حدودی بر محدودیت‌های مبتنی بر جنسیت فائق شوند و وضعیت بهتری برای آینده‌شان رقم بزنند. کنکور به‌عنوان دروازه‌ای برای رسیدن به مزایای فوق عمل می‌کند؛ بنابراین رقابتی نفس‌گیر بر سر رشته‌های با منزلت و ثروت بیشتر را شکل می‌دهد. ناعادلانه‌بودن کنکور در واقع تمام کارکردهای تحصیلات عالی‌ه را برای کاستن از محرومیت‌های اجتماعی خنثی می‌کند و موجب می‌شود که تحصیلات دانشگاهی و به‌ویژه تحصیل در رشته‌های واجد امتیاز، در انحصار طبقه مسلط و فرادست باقی بماند و دیگران نتوانند از آن بهره‌مند شوند. در واقع ناعادلانه‌بودن کنکور، چرخه نابرابری اجتماعی را

تداوم می‌دهد و بر مشکلات جامعه می‌افزاید. در سال‌های اخیر سیاست‌گذاری درباره کنکور بیشتر متوجه شکل آن بوده است و عوامل تأثیرگذار بر آن عمدتاً نادیده گرفته شده‌اند؛ درحالی‌که لازم است زمینه و شرایطی فراهم شود که در وهله اول انواع تبعیض‌های موجود در ورود به دانشگاه کنار گذاشته شود و افراد بتوانند بر حسب علاقه و توانایی‌هایشان در رشته مورد نظرشان تحصیل کنند.

## یادداشت

## در یزد چه می‌گذرد؟



**محمدتقی فاضل‌میبیدی**

چند روز پیش روزنامه اطلاعات آمار بالایی از تعداد زندانیان در یزد داده و عمده جرائم زندانیان یزد را سرقت و مواد مخدر گزارش کرده بود. عجیب اینکه ۲۷ درصد آنها غیربومی و بقیه بومی اعلام شده بودند. هرکس گذشته‌های یزد را بداند، اذعان می‌کند که این استان کمترین پرونده را در محافل قضائی داشته است، اما اکنون با این آمار زهی شرم و خجالت! استانی که به پاک‌دستی و پاک‌سیرتی و پاک‌سرشتی شهرت داشت، اکنون از لحاظ سرقت و آفین در در رده بالایی کشور قرار گرفته است و نیز گزارشی از به‌آشوب‌کشیدن مجلس سالگرد شهید صدوقی در مسجد حظیره یزد در شبکه‌ها آمد که آن هم موجب سرافکندگی بیشتری شد. جمعی احتمالاً از جایی، ماموریت یافته بودند سخنرانی حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای انصاری هنجارشکرانی را بگیرند تا حیثیت و خوش‌نامی این استان امن و علم و عبادت باقی بماند.

## تحلیل

## کنکور و قصه هر ساله فرمان دست کیست؟



**دکتر امیر صدری**

- باید بری پزشکی بخونی، این جوری آینده‌ات تضمین می‌شه - می‌خوای بری دنبال ادبیات؟ یا سینما؟ بعد فردا چه جوری می‌خوای په لقمه نون داشته باشی واسه خوردن؟ - هر کسی سرش به تنش می‌ارزه می‌ره پزشکی می‌خونه، نیکا کن به دوروبرت، جز پزشکی و دندون پزشکی کسی رفته چیز دیگه بخونه؟

- تو امروز رو می‌بینی، ما فردا رو، ما صلاح تو رو می‌خوایم... چقدر این جملات را شنیده‌ام؟ برای یکی، دو سال منتهی به کنکور تقریباً هر روز، اما در سال آخر استراتژی خانواده عوض شد.

- اگر په رشته خوب قبول نشی می‌کن چون پدرش رو از دست داده بود، مادرش نتونست خوب راهنمایی‌اش بکنه - بین دانشگاه‌ها تو جهان همه مثل کیف هستن همه می‌تونن داخل بشن؛ اما تو ایران مثل کیف برعکسه، ورودش سخته بعد راحت می‌شه، تو فقط کنکور قبول بشو و وارد دانشگاه بشو بعد هر کاری دوست داشتی بکن...

- آقا اصلا برو پزشکی بخون مدرکتو بگیر بعد برو دنبال نوشتن یا سینما

و متأسفانه یا خوشبختانه من خام این حرف‌ها شدم و حالا یک پزشک هستم. البته نه از آن پزشک‌هایی که در تصور شماست؛ بلکه یک روزنامه‌نگار روابط‌عمومی چی در حاشیه پزشکی که سعی کرده علائقش را در حاشیه رشته تحصیلی اش حفظ کند.



اما مهم‌ترین سؤال این است که اگر زمان به عقب برگردد، انتخابم در کنکور چه خواهد بود؟ کنکور برای رسیدن به پزشکی یا دندان‌پزشکی یا داروسازی یا کنکور برای چیزهایی که دوستشان داریم؟

مثل سؤال کلیشه‌ای «علم بهتر است یا ثروت»؛ اما پاسخ لحظه اول لزوماً درست نیست، واقعیت این است که رشته پزشکی و آن عنوان «دکتر» احترام و جایگاهی اجتماعی به تو می‌دهد که قطعا در هر مسیر و راهی می‌تواند کمک‌کننده باشد، قطعا پزشکی رشته‌ای است که اگر ادامه‌اش بدهی و بخواهی تضمین شغلی برای آینده‌ات دارد که اگر ناکام‌ترین در میان هم‌رشته‌های‌ها هم باشی، زندگی متوسطی برایت خواهد ساخت و قطعا اگر اهالش باشی، می‌تواند برای مهاجرت پل خوبی باشد و اگر سختکوش باشی، در حوزه‌های مدیریتی یا پژوهشی یا آموزشی برایت جایگاه‌های خیلی خوبی بسازد. اما این یک طرف ماجراست، سختی تحصیل در این رشته و فشارهای روحی و جسمی ویرانگرش و توقعاتی که بالاخره شکل می‌گیرد و بسیاری از آنها برآورده نمی‌شود و مشکلات زمان تحصیل بسیار بالا و رسیدن به امکان درآمدزایی تنها پس از سال‌های طولانی تحصیل و به‌خصوص شرایط ناعادلانه و نامناسب دوره دستبازی تخصص و شرایط بسیار سخت در اجبار به گذراندن طرح مناطق محروم با نظایر آن و ده‌ها مشکل کوچک و بزرگ دیگر که پزشکی را به سخت‌ترین رشته تحصیلی ایران بدل می‌کند.

تصمیم‌گیری درخصوص اینکه این روی سکه انتخاب شود یا آن رو به تعداد آدم‌هایی که هرساله کنکور می‌دهند، متفاوت است؛ اما بشخصه این را می‌دانم که فرمان زندگی هر آدمی باید دست خود او باشد، درست است که تجربه زیسته بسیار مهم است؛ اما گرفتن فرمان زندگی یک انسان از او، بزرگ‌ترین نهادهای امنیتی ایران است، جلوی این هیاهو و ظلمی است که می‌توان در حق یک فرد جاری کرد و متأسفانه هم این فرمان‌گرفتن در کنکور تأثیراتی به درازی یک عمر دارد.